

**راهبردهای هدایت تغییرات اجتماعی انحطاطی در راستای ارتقاء انسجام ساخت درونی
قدرت جمهوری اسلامی ایران**

مهدی توکلی جبلی^۱

مهدی بیگدلو^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۵

چکیده:

در جامعه‌شناسی به الگوهای تغییر و تحول اجتماعی توجه ویژه‌ای شده و همان‌طور که نظم اجتماعی می‌تواند آشکال و آرایش‌های گوناگونی به خود بگیرد، تغییرات اجتماعی نیز می‌تواند در دو وجه انحطاطی و اعتلایی بروز و ظهور نماید. این دو وجه ارتباطی مستقیم با هم دارند به طوری که می‌توان با هدایت تغییرات اجتماعی انحطاطی به تغییرات اجتماعی اعتلایی نزدیک شد که گام نخست شناسایی این راهبردهاست که هدف پژوهش حاضر را نیز تشکیل می‌دهد.

این مقاله با اخذ آراء صاحب‌نظران و خبرگان حوزه‌های اجتماعی و امنیتی و مدیریتی به روش آمیخته و با استفاده از تکنیک *SWOT* راهبردهای کنترل و کاهش آثار سوء این‌گونه تغییرات را احصاء نموده که بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند تحکیم‌بخش ساخت درونی قدرت را فراهم نموده و موجب ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گردد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که با تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی مردم نسبت به ارزش‌های دینی و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس، تغییر رویکرد رسانه‌ها از وضعیت انفعالی به تهاجمی به همراه سالم‌سازی فضای رسانه‌ای، اعتبارزدایی از رسانه‌های غیرخودی با استفاده از رویکرد اقناعی و جذب حداکثری و توانمندسازی مخاطبان در ابعاد سواد رسانه‌ای برخی از راهبردهایی است که می‌تواند انسجام ساخت درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران را در پی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تغییرات اجتماعی، راهبرد، قدرت ملی، قدرت درونی

۱- دانش آموخته دوره دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - Mehdi.tj@gmail.com

۲- دانش آموخته دوره دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران - Bigdeloo@alumni.ut.ac.ir

مقدمه:

سرعت تغییرات در قرن ۲۱ ظهور گفتمان‌های جدید با عنایت به پدیده‌هایی مانند جهانی شدن، بیداری اسلامی، رشد و گسترش اطلاعات و فناوری‌های نوین ارتباطی، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر وسعت و دامنه تغییر اجتماعی و حوزه اجرایی و عناصر و عوامل اجرایی آن افزوده و اهمیت پرداختن به آن را دوچندان نموده است. از طرفی جهت‌دهی به این تغییرات برای القاء تغییرات اجتماعی انحطاطی در کشوری چون جمهوری اسلامی ایران که پرچم مقابله با تفکرات و سبک زندگی غربی را در قرن حاضر برافراشته همواره مدنظر نظام سلطه بوده است.

بروز تحولات سریع و برنامه‌ریزی‌های دشمنان یا کشورهای رقیب در حوزه اجتماعی و فرهنگی، ظهور عوامل شتاب‌دهنده در دوران گذار، تغییر وضعیت قشرهای طبقه متوسط در حوزه اقتصادی و فرهنگی، ارتباطات فرهنگی و علمی، روند جهانی شدن و فناوری اطلاعات در عصر ارتباطات و رواج جریان‌ات اجتماعی غیربومی مانند جریان مسئولیت اجتماعی آمریکایی و... باعث متأثر ساختن امنیت اجتماعی و هویتی شده است که در نتیجه موجب ظهور نمایش تغییر اجتماعی در سطح ملی جمهوری اسلامی ایران شده و می‌تواند در صورت بی‌توجهی به شرایط، باعث کاهش همبستگی اجتماعی و انسجام اجتماعی، تضعیف اتحاد ملی، نفوذپذیری از فرهنگ بیگانه و تضعیف هویت ملی شده و تبعات و پیامدهای آن امنیت ملی را تهدید نماید.

بنابراین واكای اقدامات نظام سلطه در حوزه القای تغییرات انحطاطی در سطح کشور با بهره‌گیری از رصد اقدامات و فعالیت‌های اجرایی آنان به تدوین راهبردهای هدایت این تغییرات در راستای تحکیم ساخت درونی قدرت نظام و ارتقای امنیت ملی کمک نموده و به‌کارگیری برنامه‌ای جامع برای مواجهه با شتاب تغییرات محیطی و پیچیده شدن تصمیمات سازمانی و شکل دادن به آینده به شکلی اثربخش از اهمیت مضاعفی نسبت به گذشته برخوردار شده که مدیریت راهبردی می‌تواند با تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده‌نگر، جامع‌نگر و اقتضایی گامی در مسیر حل این مسئله بردارد.

تدوین راهبرد برای هدایت تغییرات اجتماعی به‌ویژه تغییرات اجتماعی انحطاطی با در نظر داشتن اولویت‌بندی فرصت‌ها برای بهره‌برداری مناسب، کاهش اثرات شرایط نامطلوب و تغییرات نامساعد و تخصیص زمان و منابع به شیوه‌ای اثربخش به فرصت‌های شناخته‌شده با در نظر داشتن ظرفیت‌های کشور از الزاماتی است که به قابلیت اجرایی این راهبردها یاری می‌رساند. در این راستا دستیابی به راهبردهای مدیریتی مناسب و متناسب و قابل اجرا برای هدایت تغییرات انحطاطی نظام

سلطه هدف اصلی و شناخت نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید در کنترل تغییرات اجتماعی اهداف فرعی این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

بیان مسئله: تغییرات گسترده برنامه‌ریزی شده و گاهی بدون برنامه در جامعه، تحولات سریع اجتماعی، گسترش نامتوازن طبقه متوسط، مهاجرت نخبگان، تأثیرپذیری نامطلوب از روند جهانی شدن و تأثیر فناوری‌های اطلاعات در عصر ارتباطات همگی باعث دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی در جوامع امروزی و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران خواهد شد؛ چراکه تغییر نظام سیاسی پس از انقلاب اسلامی و تحرکات دشمنان برای بالا بردن آسیب‌پذیری آن با استفاده از ابزارهای فرهنگی - اجتماعی، باعث بروز نهادها و شرایط ویژه‌ای برخاسته از تهاجم فرهنگی در دهه اخیر شده که می‌تواند چالش‌های عمده‌ای را در داخل کشور متوجه نظام اسلامی نماید. در این راستا یکی از مشکلات، نادیده گرفتن این تغییرات برنامه‌ریزی شده یا ناخواسته و دشواری جذب و هدایت نسل جدید در قالب هویت استقرار یافته دینی - ملی است.

به نظر می‌رسد مدیریت مطلوب تغییرات اجتماعی کارآمدترین روشی است که با استفاده از آن می‌توان ظرفیت اجتماعی درونی را در سه سطح بنیادین، راهبردی و عملیاتی افزایش داده و با تقویت همبستگی اجتماعی و تقویت اتحاد ملی، امنیت ملی کشور را ارتقاء داد؛ اما لازمه این مدیریت در نگاه راهبردی، توجه به افق چشم‌انداز و ارائه راهبردهایی جامع با نگاه کل‌نگر و همه‌جانبه است تا تمامی وجوه تأثیرگذار و تأثیرپذیر تغییر اجتماعی را در برگیرد.

اهمیت و ضرورت تحقیق: شتاب تغییرات و تحولات جهانی و منطقه‌ای و ظهور هویت‌های جدید در دولت‌های ملی موجب بروز خواسته‌های جدید و متنوعی شده است. رشد رسانه‌ها و نفوذ آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، رشد شهرنشینی، افزایش سطح آموزش و توسعه فرآیند تفکیک اجتماعی باعث ظهور هویت‌های جدید خواهد شد و با توجه به فناوری‌های نوین در دسترس آنان، باعث فعالیت جنبش‌های نوین اجتماعی نیز می‌گردد که بر امنیت داخلی هم تأثیر منفی خواهند داشت و مخاطرات امنیتی را در پی دارند؛ به‌نظر می‌رسد این حوزه از تغییر اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و ارائه راهبردهای مناسب برای مدیریت مطلوب آن در راستای نیل به امنیت پایدار و تأمین اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، ضروری است. چنانچه مطالبات جامعه به نحو مطلوب توسط مدیران میانی و عالی دریافت، هدایت، کنترل و مدیریت گردد، موجب تحکیم و ارتقای امنیت ملی خواهد شد. از طرف دیگر، ناشناخته بودن جنبش‌های

نوین در ایران موجب تأثیر منفی آن‌ها بر امنیت ملی می‌شود، به طوری که فعالیت عناصر مخمل امنیت اجتماعی مانند اوباشی‌گری و ولنگاری فرهنگی بروز و ظهور می‌نماید که عواملی مانند خودکمی، فقدان عزت‌نفس، عقده‌های روانی، فقر، بیکاری و فقدان تربیت صحیح و مبتنی بر دین مبین اسلام را می‌توان برخی از دلایل آن دانست.

سرعت بالای انتقال اطلاعات در جامعه شبکه‌ای و جذابیت‌های خاص فضای مجازی در سنین جوانی و تأثیر در آداب و معاشرت، جدایی بین اعضای خانواده و کاهش ارتباطات عاطفی جملگی باعث تغییر غیرمحسوس و تدریجی سبک زندگی شده که از آثار ملموس آن افزایش سن ازدواج، زندگی مجردی، دوری از آموزه‌های دینی را می‌توان نام برد. این موضوع یکی از تهدیدات جدی دهه اخیر بوده که از فضای اجتماعی قابلیت ارتقاء به سطح امنیتی را داراست و عدم توجه به آن موجب خدشه به امنیت اجتماعی و نهایتاً امنیت ملی کشور خواهد شد. از این‌رو شناخت مطلوب این عناصر در افزایش ضریب امنیت ملی حائز اهمیت بوده و مدیریت راهبردی مؤثر آن در راستای ارتقای امنیت ملی ضروری است تا با ارائه راهبردهای مناسب و متناسب، اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران محقق گردد.

پیشینه پژوهش

در پژوهشی کاربردی که از سوی مؤسسه توسعه کاربردی در سال ۲۰۰۷ در کشور آمریکا با عنوان «تئوری سه‌گانه تحول اجتماعی و مفاهیمی برای اجرا، برنامه‌ریزی و نظارت و ارزیابی» انجام شده، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که تحول و دگرگونی را نمی‌توان مهندسی کرد، بلکه فقط می‌توان آن را کشت کرد و ترویج داد. دانه‌هایی باید انتخاب شوند که میوه‌های آن نه تنها متناسب با ذائقه خورندگان آن باشد، بلکه باید مطابق با خاکی باشد که در آن کاشته می‌شود. فرآیندهای تحول و دگرگونی، خواه بارز، قابل تغییر یا قابل بررسی باید خوانده شوند و به‌عنوان فرآیندهای طبیعی ماندگار در زندگی و فرهنگ خود مردم عمل شوند. این نوع محوریت که با احترام و ماهرانه به کار برده می‌شود، می‌تواند تأثیر و ماندگاری داشته باشد (Reeler, 2007).

رساله‌ای با عنوان «الگوی راهبردی مدیریت تغییرات اجتماعی در دهه آینده بر اساس اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» توسط علیرضا ترقی با هدایت و راهنمایی دکتر محمدرحیم عیوضی در دانشگاه عالی دفاع ملی انجام شده است. محقق در این تحقیق به مدخل ورودی برای تدوین راهبردهای قانونی، ترغیبی، چانه‌زنی و قدرتی دست یافته و بر اساس شاخص‌ها و عاملیت‌های مورد سنجش یک چارچوب مدل مدیریت راهبردی تغییرات اجتماعی تحصیل شده

است تا بتوان بر اساس آن به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دست یافت (ترقی: ۱۳۹۲).

علی رحمانی فیروزجاه در پژوهش ارائه شده با عنوان «ایدئولوژی و تغییر اجتماعی با تأکید بر اندیشه‌های دکتر شریعتی» در دانشگاه تهران به بررسی اندیشه‌های دکتر شریعتی در خصوص ایدئولوژی و تغییر اجتماعی می‌پردازد که در نهایت بیانگر نقش مؤثر و کلیدی ایدئولوژی در روند تغییر اجتماعی است و می‌تواند به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی مطرح و به کار گرفته شود (رحمانی: ۱۳۷۶).

اکبر طالب‌پور پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی کاربردی (پژوهشگری) دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «نقش تغییرات اجتماعی صورت گرفته از سال ۱۳۶۸ بر نظام ارزشی جامعه» ارائه نموده است. این پژوهش با اطلاعات نسبتاً جامع و روش‌های تحلیل داده آماری، ضرایب نسبتاً دقیقی از شاخص‌های تغییرات اجتماعی به دست می‌دهد که با توجه به گستردگی موضوع، معرف‌های انتخاب شده عبارتند از (۱) تبلیغات رسانه‌ای (۲) نقش نهادهای دولتی (۳) نقش مسئولین و (۴) گروه‌های مرجع که هر کدام به چندین زیرمجموعه تقسیم می‌گردد. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که با آغاز روند تغییرات ارزشی در جامعه، میزان مصرف افزایش و میزان اقتدار نهادهای حاکمیتی رو به تنزل نهاد در نتیجه، هزینه نظم اجتماعی رو به افزایش نهاده است که در نهایت خروجی سیستم را کاهش می‌دهد. محقق ابتدا به مرور نقش نظام ارزشی از سال ۵۷ تا ۶۸ در اداره جامعه و هزینه‌های اجتماعی آن پرداخته، سپس همین مؤلفه‌ها را پس از سال ۶۸ ارزیابی و مورد مقایسه آماری قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که شاخص‌های آن با آهنگی تقریباً منظم و ثابت رو به کاهش است (طالب‌پور: ۱۳۸۲).

کوروش مکانی در دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی پژوهش «نقش گروه‌های غیررسمی در روند تغییرات اجتماعی» را ارائه نموده است. این پژوهش ابتدا با یک نگاه تاریخی جامعه ایران معاصر (از ابتدای قرن بیستم) را در برمی‌گیرد. انقلاب مشروطیت، ظهور و سقوط دیکتاتوری پهلوی اول، جنبش ملی شدن صنعت نفت، اصلاحات ارضی، شکل‌گیری ادبیات انقلابی و در نهایت انقلاب شکوهمند اسلامی در هر یک از وقایع تاریخی رخ داده بر نقش و شکل‌گیری گروه‌های غیررسمی تأکید دارد. میزان این نقش در نمونه‌گیری سیستماتیک طبقه‌بندی شده مورد اندازه‌گیری قرار گرفته و صحت شاخص‌های آماری با ضرایب آن تأیید می‌نماید که

◆ ۱۱۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۷

نقش گروه‌های غیررسمی به مراتب از گروه‌های رسمی قدرتمندتر و پرنسب‌تر است (مکانی: ۱۳۸۳).

پژوهشی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران توسط جمشید سلیمی با عنوان «گروه‌های فشار و نقش آنان در تغییرات اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶» انجام شده است. پژوهشگر در این مجموعه به تغییرات اجتماعی صورت گرفته در دوران «اصلاحات» از منظر گروه‌های فشار پرداخته است. در جمع‌بندی این پژوهش رفتار گروه‌های فشار در برابر تغییرات از نگاه مردم و مسئولین دولتی و احزاب همگرا مورد سنجش قرار گرفته و دیدگاه و تلقی از این سؤال که «آیا رفتار این گروه‌ها در جهت مقاومت در مقابل تغییرات صورت گرفته است؟» مورد بررسی واقع شده است و در نتایج حاصله، رابطه نسبتاً قوی به دست آمده است. ارزیابی مردم و مسئولین مثبت و احزاب همگرا، منفی استنباط گردیده است اما نکته قابل توجه در این نتیجه‌گیری این است که از نگاه احزاب همگرا این رفتارها در واکنش به تهدید جامعه و به خطر افتادن میزان امنیت جامعه تلقی شده است (سلیمی: ۱۳۸۵).

به نظر می‌رسد در تمام پژوهش‌های انجام شده مهم‌ترین عوامل مؤثر در تغییر شامل نیروی انسانی، محیط سازمانی و شاخص‌های مدیریتی مطرح شده است و هر یک از پژوهش‌ها به بخشی از شاخص‌ها در این سه حوزه اصلی پرداخته‌اند. حوزه‌های محدود هر یک از پژوهش‌ها، باعث شده تا اغلب در سطح ملی به مقوله تغییر اجتماعی نپردازند و حوزه بخشی را مورد توجه قرار دهند.

اما در تحقیق پیش‌رو یافتن راهبردهای مطلوب مدیریت راهبردی تغییر اجتماعی در سطح ملی به صورت جامع و فراگیر مدنظر بوده تا پیاده‌سازی آن، بستر تحکیم و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم نماید.

تعریف مفاهیم و متغیرها:

تغییر اجتماعی فرآیندی از جایگزینی کمی و کیفی پدیده‌های اجتماعی است که در پی تحولات اجتماعی با برنامه (عمدی) و بدون برنامه (غیرعمدی) صورت می‌گیرد (واگو، ۱۹۸۹: ۱۳). مدیریت تغییرات اجتماعی نیز علم استفاده از شیوه‌ها، سازمان‌ها و ابزارهای مطلوب برای هدایت جریان تغییرات و پیش‌بینی و پیشگیری از هزینه‌های غیرمعارف ملی است (عرف، ۱۳۷۹: ۱۳).

تغییر اجتماعی در این تحقیق جریان‌های اجتناب‌ناپذیر و جابه‌جا کننده هنجارهایی است که در جامعه روی داده و باعث تغییر رفتار عمومی جامعه می‌گردد. مدیریت راهبردی علم و هنر ایجاد

پیوند بین توانمندی‌های داخلی و فرصت‌های محیطی به‌منظور تحقق چشم‌انداز، اهداف و مأموریت‌ها، اجرا، ارزیابی و کنترل تصمیمات، با توکل، ایمان، بصیرت، تدبیر، هوشمندی، انعطاف، استحکام توأم با آینده‌نگری، جامع‌نگری و نگرش سیستمی همراه با خلاقیت، نوآوری، یادگیری و توانمندسازی مستمر است (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

در تحقیق پیش‌رو منظور از راهبرد، تدقیق و تصریح اهداف، سیاست‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها برای تدوین راهبردهای مطلوب مدیریت تغییر اجتماعی مبتنی بر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است.

تغییر اجتماعی: دانشمندان علوم اجتماعی برحسب حوزه‌های تخصصی خود (جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست، تاریخ، جمعیت‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و...) تعاریف مختلفی از تغییر اجتماعی ارائه داده‌اند. چنان‌که در ادبیات جامعه‌شناسی شاهد تعاریف متعددی در مورد تغییر اجتماعی هستیم و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی، پارادایمی و نظری و نیز سطوح تحلیلی انتخاب‌شده توسط هر یک از جامعه‌شناسان در ارائه تعاریف متفاوت بی‌اثر نبوده است.

ویلبرت مور تغییر اجتماعی را تغییر در الگوهای رفتاری و فرهنگ که شامل هنجارها و ارزش‌ها می‌شود تعریف می‌کند (مور، ۱۹۶۷: ۳). به نظر گیدنز، تغییر اجتماعی تغییر در نهادهای اساسی جامعه طی یک دوره معین است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۶۸۲). از نظر روشه تغییر اجتماعی تغییری قابل رؤیت در طول زمان به‌صورتی است که موقتی و کم‌دوام نباشد و روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید (روش، ۱۳۶۸: ۲۶).

از نگاه روشه دگرگونی اجتماعی بیشتر تغییرات قابل مشاهده و قابل بررسی در زمان کوتاه را شامل می‌شود، چنان‌که یک مشاهده‌گر می‌تواند در طول حیات یا حتی دوره کوتاهی از زندگی خویش نحوه رشد آن را ملاحظه کند و سیر یا فرجام آن را ببیند؛ اما تطور اجتماعی مجموعه تغییراتی است که یک جامعه در طول یک دوره طولانی به‌خود می‌بیند؛ یعنی در دوره‌ای که از زندگی یک نسل یا حتی چند نسل فراتر می‌رود (توسلی، ۱۳۶۹: ۸۴).

زتومکا عنوان می‌کند اگر ما به تعاریفی که از تغییر اجتماعی در متون جامعه‌شناسی مطرح شده‌اند توجه کنیم، می‌بینیم که نویسندگان مختلف به طرح تعاریف متعددی پرداخته‌اند؛ اما بیشتر آن‌ها روی تغییر ساختاری و تغییر در روابط میان مؤلفه‌های اصلی جامعه تأکید دارند. وی به تعاریف برخی از نظریه‌پردازان اشاره دارد و می‌نویسد: مک یونیس تغییر اجتماعی را تحول در

سازمان جامعه و الگوهای اندیشه و رفتار در طی زمان می‌داند. پرسل تغییر اجتماعی را اصلاح یا تحول در جامعه به شیوه سازمان‌یافته تعریف می‌کند. به نظر ریتزر و همکاران تغییر اجتماعی دلالت بر تغییر در روابط میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع در طی زمان دارد و به نظر فارلی تغییرات اجتماعی با تغییر در الگوهای رفتار، روابط اجتماعی، نهادها و ساختارها در طی زمان مشخص می‌گردد (زتومکا، ۱۹۹۳: ۶).

استیون واگو بر مبنای نتایج حاصل از تغییر به تعریف تغییر اجتماعی می‌پردازد. به نظر او در انضمامی‌ترین معنا تغییر اجتماعی به این معناست که بخش وسیعی از افراد جامعه در فعالیت‌ها و روابط اجتماعی درگیر شوند که متفاوت با فعالیت‌ها و روابطی باشند که والدین آن‌ها درگیر آن بوده‌اند (واگو، ۱۹۸۹: ۷).

با این تعریف، تغییر اجتماعی بسیار به مفهوم تفاوت یا تمایز نسلی که در جامعه‌شناسی نسلی از آن بحث می‌شود نزدیک می‌شود. واگو علاوه بر این تعریف به ذکر تعاریف دیگر از تغییر اجتماعی که سایر متفکرین اجتماعی به کار برده‌اند، اشاره می‌کند. به نظر او گروهی از جامعه‌شناسان به تغییر در ساختار جامعه اشاره دارند؛ آن‌چنان که گینسبرگ عنوان می‌کند: من تغییر اجتماعی را با تغییر در ساختار اجتماعی برای نمونه تغییر در اندازه جامعه، ترکیب یا توازن بخش‌های یک جامعه یا نوع سازمان‌های آن می‌فهمم. برخی معتقدند تغییر اجتماعی هم شامل تغییر در ساختار و هم تغییر در عملکرد جامعه می‌شود. دیویس معتقد است که تغییر اجتماعی در سازمان‌های اجتماعی کارکردهای جامعه اتفاق می‌افتد. جانسون تغییر اجتماعی را تغییر در ساختار یک نظام اجتماعی می‌داند.

مهم‌ترین تغییرات ساختاری آن‌هایی هستند که برای نظام پیامدهای عملکردی چون نیل به اهداف، افزایش کارایی و بقای نظام را دارند. گروهی از نویسندگان نیز تغییر اجتماعی را برحسب تغییر در روابط اجتماعی تعریف می‌کنند. برای نمونه مک‌آیور و پیچ تغییر اجتماعی را تغییر در شیوه‌هایی که موجودات انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهند تعریف می‌کنند. برخی از جامعه‌شناسان بر ترکیب تغییر در ساختار اجتماعی و روابط اجتماعی تأکید دارند. رونالد ادری دو عنصر ساختار و روابط را با هم ترکیب می‌کند. به نظر او وقتی از تغییر صحبت می‌کنیم حداقل دو چیز مورد نظر است: یکی تغییر در ساخت هستی‌های اجتماعی در طی زمان و دیگری تغییر در

روابط میان هستی‌های اجتماعی با نگاهی جامع‌تر و وسیع‌تر. رابرت نیزبت تغییر اجتماعی را توالی تفاوت‌ها در طی زمان در چارچوب یک هویت پایدار تعریف می‌کند (همان: ۹-۸).
به نظر واگو، مشکل مشترک تعاریف ارائه شده برای تغییر اجتماعی مسئله شیء‌انگاری است؛ طراحان این تعاریف گرایش دارند انتزاع‌های مفهومی از واقعیت را با واقعیت محقق شده و عینی مقایسه و منطبق کنند. او رویکرد متفاوتی را پیشنهاد می‌کند که بر مبنای آن تغییر اجتماعی به‌عنوان فرآیند تغییرات کمی یا کیفی با برنامه یا بدون برنامه در پدیده‌های اجتماعی تلقی می‌شود که مؤلفه‌های تحلیلی مرتبط با آن هویت، سطح، مدت، جهت، وسعت و آهنگ تغییر هستند (واگو، ۱۹۸۹: ۹-۱۵).

انواع تغییر اجتماعی: در آثار مربوط به تغییر اجتماعی به تفکیک‌هایی در خصوص انواع تغییر اجتماعی برمی‌خوریم که برخی از آن عبارتند از:

۱. تغییر اجتماعی درون‌زا، برون‌زا و ترکیبی: این تفکیک بر مبنای علت‌هایی که موجب تغییر می‌شوند صورت گرفته است. اگر علت‌های تغییر در یک نظام اجتماعی داخلی باشند، آن را تغییر درون‌زا گویند و برعکس، اگر علت‌های تغییر خارجی باشند، آن را تغییر برون‌زا و در صورت وجود ترکیبی از علت‌های داخلی و خارجی آن را تغییر ترکیبی می‌نامند.

۲. تغییر اجتماعی با برنامه و بی‌برنامه: این نوع تفکیک بر مبنای وجود یا عدم وجود عنصر تعمد صورت گرفته است. تغییر اجتماعی با برنامه تغییری است که از طریق سازوکارهای معین مشخص و با اهداف از پیش تعیین‌شده صورت می‌گیرد؛ به عبارتی این نوع تغییر اجتماعی حاصل نوعی مهندسی اجتماعی است. برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای درصدد تحقق چنین تغییری هستند. تغییر اجتماعی بی‌برنامه تغییراتی هستند که در تحقق و بروز آن‌ها تعمدی در کار نبوده است. این نوع تغییر به‌عنوان بخش ناخواسته و از کارکردهای پنهان تغییرات با برنامه است.

تغییر اجتماعی روبنایی و تغییر اجتماعی زیربنایی: تغییر اجتماعی روبنایی نوعی اصلاح در جامعه است که بدون ایجاد تغییر در ماهیت و بنیاد ساختار اجتماعی بخش‌هایی از جامعه تغییر می‌کنند. در تغییر زیربنایی کل ساختار اجتماعی دگرگون می‌شود، الگو و صورت اجتماعی و فرهنگی جدیدی جایگزین الگو و صورت قبلی می‌شود. تغییر اجتماعی زیربنایی همان انقلاب اجتماعی است.

زمان‌مندی تغییر اجتماعی: زمان به‌عنوان بعدی از حیات اجتماعی، زمینه‌ساز مهمی برای تمام الگوها و مناسبات اجتماعی است به گونه‌ای که تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیر هر واقعیت انسانی-اجتماعی شده است. رابطه بین زمان و تغییر همواره مورد نظر متفکرین اجتماعی بوده و در این رابطه ارسطو عقیده دارد: «زمان و تغییر هر دو جزء لاینفک هستند از این‌رو حرکت همیشه وجود دارد و خواهد داشت زیرا زمان بدون تغییر نخواهد بود» (مظهری، ۱۳۵۶: ۱۴۶).

از طرفی چون تغییر اجتماعی در اشکال مختلف خود خصلت فرآیندی دارد و در طی زمان کم و کیف آن مشخص می‌گردد، در نتیجه برای فهم ماهیت تغییر شناخت بعد زمان‌مندی آن اهمیتی اساسی دارد. زیرا مؤلفه‌های زمان، مکان و نفس واقعیت از عوامل اصلی تشکیل‌دهنده هویت یک واقعیت هستند. بر این مبناست که درک و شناخت زمان برای فهم جریان‌های اجتماعی مهم می‌شود. به نظر مانهایم برای درک بهتر ذهنیت اجتماعی و فهم جریان فرهنگی و تفسیر جهانی‌بینی‌ها، شناخت زمان اهمیت اساسی دارد. «ذهنیت یک گروه اجتماعی را می‌شود به‌خوبی از راه مفهومی که آن گروه از زمان دارند بررسی کرد؛ این مفهوم زمان شامل امیدها، آرزوها و آمال آن گروه می‌شود» (قیصری، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

تغییر اجتماعی و مفاهیم مشابه: تغییر اجتماعی در قیاس با تحول اجتماعی، به‌خصوص از حیث زمانی محدودتر است. چنان‌که عنوان شده تحول اجتماعی را مجموعه‌ای از تغییرات می‌دانند که در یک دوره طولانی و طی یک یا شاید چند نسل در یک جامعه رخ می‌دهد (روشه، ۱۳۶۸: ۲۰). جامعه‌شناسان کلاسیک که واحد تحلیل آن‌ها جوامع بشری یا بشریت بود و کمتر با جامعه خاصی سروکار داشتند و برخوردار از دیدگاهی کلان‌نگر بودند، بیشتر به تحول اجتماعی توجه داشتند تا تغییر اجتماعی.

یکی دیگر از مفاهیم مشابه تغییر فرهنگی است. اگرچه مفاهیم جامعه و فرهنگ معمولاً به‌جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ ولیکن این دو مفهوم نسبت به یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. جامعه متشکل از مجموعه‌ای افراد است که از یک اسلوب معین پیروی می‌کنند و در نتیجه، جامعه برخوردار از نوعی ساختار اجتماعی است، اما فرهنگ دلالت بر شیوه زندگی افراد جامعه دارد. به عبارتی، فرهنگ راه و روش زندگی است که افراد یک جامعه همه با هم آن را فراگرفته‌اند و در پیروی از آن سهیم و شریک هستند. این راه و روش از طریق ارتباط با ابزار، فنون، نهادهای اجتماعی، طرز تلقی‌ها، عقاید، انگیزه‌ها و نظام ارزشی مورد قبول مردم حاصل گردیده است.

مفاهیم جامعه و فرهنگ تا آن اندازه به هم بسته و مربوط است که صحبت از یکی بدون در نظر داشتن دیگری مقدور نیست (فاستر، ۱۳۷۸: ۲۱). مفهوم فرهنگ به دانش و معرفتی که اعضاء یک جامعه به صورت مشترک از آن برخوردارند اشاره دارد. فرهنگ به اعضاء جامعه احساس هویت، تعلق و اینکه چگونه باید رفتار کنند و آنچه باید انجام دهند را می‌دهد.

پیوستگی و ارتباط دو مفهوم جامعه و فرهنگ موجب شده که تحقق تغییر در هریک از آن‌ها موجب تغییر در دیگری شود تا جایی که تفکیک تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگ نمی‌تواند به آسانی صورت بگیرد. اصطلاح تغییر فرهنگی را بنا بر ماهیتی که دارد می‌توان تغییر فرهنگ در طول زمان تعریف کرد. در مجموع تغییراتی که در حوزه معرفت صورت می‌گیرند را تغییرات فرهنگی می‌گویند و تغییراتی که در حوزه ساختارهای اجتماعی و جمعیتی صورت می‌گیرند را تغییرات اجتماعی می‌نامند.

تغییر فرهنگی را به معنی دگرگونی‌های جامعه در پدیده‌های فرهنگی نظیر معرفت و دانش، آراء و عقاید، هنرها، آیین‌های دینی و اخلاقی و غیره که بار معنایی و خصلت نمادی دارند دانسته‌اند. با این وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی در غالب موارد ارتباط نزدیکی باهم دارند. تغییر فرهنگی نسبت به تغییر اجتماعی از گستردگی بیشتر و از آهنگ کندتری برخوردار است.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و تغییر اجتماعی: قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد (کاظمی، ۱۳۷۳: ۲) و به‌عنوان مفهومی ژئوپلیتیکی، صفت جمعی افراد یک ملت یا ویژگی کلی یک کشور را منعکس می‌کند که برآیند توانایی‌ها و مقدرات آن ملت یا کشور محسوب می‌شود (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۸۲).

رودلف اشتاین متز، نظریه‌پرداز آلمانی، عناصر قدرت ملی را جمعیت، وسعت زمین، ثروت، تأسیسات سیاسی، کیفیت فرماندهی، وحدت ملی، حفظ دوستی قدرت‌های خارجی و کیفیت اخلاقی می‌داند (جوانی، ۱۳۹۴: ۲۴).

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از ابعاد قدرت ملی برگرفته از اسلام و آموزه‌های احیاگر آن است که با ابتنا به اصولی نظیر فطرت، ولایت، تولی و اصل تبری، تمایز بنیادین با قدرت نرم سایر کشورها دارد و با جریان دادن و تسری ولایت خداوند در روی زمین، رشید کردن مردم (عباسی، ۱۳۸۹: ۳۴) و دعوت ایشان به حق و خداوند ادعای هم‌اوردی دارد.

♦ ۱۲۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۷

مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از ابعاد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مجرای برای استحکام‌بخشی به قدرت درونی است (سرپرست سادات، ۱۳۹۴: ۱۶) و آنچه در این بعد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بیشتر برجستگی دارد، بعد فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی است که در بطن تحولات جامعه نقش اساسی و محوری دارد به‌طوری‌که از نظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) «فرهنگ، ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است» (حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی): ۸۳/۲/۲۸).

اما مفاهیم جامعه و فرهنگ تا آن اندازه به هم بسته و مربوط است که صحبت از یکی بدون در نظر داشتن دیگری مقدور نیست (فاستر، ۱۳۷۸: ۲۱). به‌عنوان یک کلیت قابل تحلیل، فرهنگ از شناخت مشترک یک جامعه نسبت به هنجارها، نمادها، فناوری‌ها، نقش‌ها، عقاید، ارزش‌ها و ساختار اجتماعی که شامل نهادهایی چون خانواده و مذهب می‌شود تشکیل شده است (واگو، ۱۹۸۹: ۲۰). پیوستگی و ارتباط دو مفهوم جامعه و فرهنگ موجب شده که تحقق تغییر در هر یک از آن‌ها موجب تغییر در دیگری شود تا جایی که تفکیک تغییر اجتماعی و تغییر فرهنگ نمی‌تواند به‌آسانی صورت بگیرد. هرچند تغییر فرهنگی نسبت به تغییر اجتماعی از گستردگی بیشتر و از آهنگ کندتری برخوردار است.

روش پژوهش:

این تحقیق به روش آمیخته برای پاسخ به این سؤال که «راهبردهای مدیریت تغییرات انحطاطی برای تحکیم و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران کدامند» از داده‌های محیطی بهره گرفته و با شناسایی ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات حوزه تغییرات اجتماعی کاهنده انسجام ساخت درونی با بررسی ادبیات نظری مرتبط در پی ارائه راهبردهای مدیریت تغییرات اجتماعی انحطاطی است. یافته‌های این پژوهش کاربردی و توسعه‌ای است و می‌تواند برای مدیران و مسئولان متعهد به اعتلای نظام و حاکمیت مقدس جمهوری اسلامی ایران که در حوزه‌های تصمیم‌سازی موضوعات اجتماعی نقش ایفاء می‌کنند، مفید و در برنامه‌ریزی‌های راهبردی برای مواجهه با مسائل پیچیده اجتماعی اثرگذار باشد. این تحقیق بر آن بوده تا با واکاوی مسائل حوزه تغییرات اجتماعی در عرصه حاکمیتی به ارتقاء و توسعه سطح شناخت و ابعاد آن پرداخته و کاربرد ویژه‌ای را برای سایر پژوهندگان و سازمان‌ها و نهادهای درگیر در عرصه مدیریت راهبردی تغییرات اجتماعی ارائه نماید. همچنین به دلیل این‌که عمده استنادات این تحقیق، برگرفته و منتج از منویات و رهنمودهای راهبردی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است،

یافته‌های تحقیق به لحاظ روشی نیز هدایت‌گر و کاربردی خواهد بود.

محققان با مطالعه اسناد و مدارک موجود و تدوین ادبیات پژوهشی به تحصیل و ارزیابی مؤلفه‌های محیط، علل و عوامل ایجاد تغییرات و پیامدهای حاصله و مؤثر بر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و سپس با استفاده از تکنیک مصاحبه عمقی و شناخت وضعیت موجود، حرکت به سمت کشف عوامل محیطی مؤثر مدنظر قرار گرفته و با روش مصاحبه خبرگی احصاء شده است و در نهایت برای نیل به راهبردهای مطلوب صیانت و تحکیم و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و دستیابی به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران از تکنیک *SWOT* استفاده شده و راهبردهای نهایی به دست آمده با تکنیک *AHP* اولویت‌بندی شده‌اند.

جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش برای سنجش روایی مدل مفهومی و پرسشنامه مشتمل بر مدیران و کارشناسان عالی و خیره امنیتی، اطلاعاتی، قضایی و اجتماعی دستگاه‌های حاکمیتی مستقر در تهران (به دلیل جامعیت و ویژگی‌های فراگیر این محیط جغرافیایی) و اساتید و اعضای هیئت علمی دانشگاهی متخصص در این حوزه (در تهران) هست که دارای مدرک دکتری یا حداقل کارشناسی ارشد بوده و بیش از پانزده سال سابقه کاری داشته و از آگاهی نظری و تجربی لازم از جمله دسترسی به گزارش‌های اطلاعات طبقه‌بندی شده درون حاکمیتی در موضوع پژوهش برخوردار باشند، چراکه لازم بود افراد مزبور ضمن شناخت کافی به سازوکار وظایف و حدود اختیارات دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حاکمیتی درگیر با موضوع مدیریت راهبردی تغییرات اجتماعی، از باور و تعهد عملی به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و پیاده‌سازی منویات و اندیشه‌های راهبردی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) برخوردار باشند. بر این اساس، حجم جامعه آماری نخبگان مورد نظر بالغ بر ۱۴۰ نفر تخمین زده شده است.

روش نمونه‌گیری و حجم آن: در این پژوهش، روش انتخاب نمونه‌های مورد بررسی در تغییرات اجتماعی بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های آینده‌پژوهی از جمله پویش محیطی و گردآوری اطلاعات لازم معطوف به مدیریت تغییرات آینده در چهار موقعیت محیطی تغییرات اجتماعی، پایش و تحلیل مستمر روندهای تغییرات اجتماعی در طول زمان، نظرخواهی و اخذ مشاوره‌های تخصصی با افراد و گروه‌های نخبگی و کارشناسانی است که از نزدیک با اطلاعات و مسائل حوزه اجتماعی درگیر بوده و هم‌اکنون به‌عنوان کارشناسان خبره، مسئولان و مدیران دستگاه‌های حاکمیتی در مدیریت تغییرات اجتماعی نقش ایفاء می‌نمایند.

۱۲۲ ♦ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۷

به واسطه محدودیت‌های مختلف تحقیق، مطالعه تمام ۱۴۰ نفر جامعه آماری این حوزه مقدور نبود. بنابراین می‌بایست بخشی از جامعه به‌عنوان نمونه مورد نظر که معرف و نماینده واقعی جامعه باشد؛ انتخاب می‌شد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۵ نفر از مدیران و کارشناسان عالی و استادان دانشگاهی که واجد ویژگی‌های جامعه مورد نظر بوده‌اند به‌عنوان حجم نمونه محاسبه شد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$t=z=1.64$$

بیانگر سطح معنی‌داری اندازه متغیر در توزیع طبیعی

نسبت پراکندگی (درصد افرادی که واجد یا فاقد صفت مورد مطالعه در جامعه هستند) $p=q=0/5$ * سطح خطا (بیانگر تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین وجود آن صفت در جامعه) $d=8\%$

از آنجایی که جامعه مورد نظر در این پژوهش مرکب بود از دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی شامل وزارت کشور (معاونت اجتماعی)، وزارت اطلاعات (معاونت اجتماعی و حراست کل)، وزارت امور خارجه و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی؛ دستگاه قضایی (به‌طور مشخص معاونت اجتماعی قوه قضائیه)؛ ارتش، سپاه و ناجا و تعدادی از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های تحقیقاتی، با استفاده از روش هدفمند با کدینگ طبقه‌ای نسبی حجم نمونه هر طبقه مشخص شد.

روایی و پایایی پرسشنامه: پس از احصاء همه شاخص‌های موجود، روی ۵۹ شاخص و گویه معرف عوامل راهبردی تغییرات اجتماعی برای تدوین پرسشنامه اجماع شد. پس از طراحی پرسشنامه لازم بود تا آن را به صورت آزمایشی به مورد اجرا گذارد. لذا در مرحله پیش‌آزمون پرسشنامه طراحی شده از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا گویه‌هایی را که به‌عنوان عوامل مؤثر در تغییرات اجتماعی مهم ارزیابی می‌کنند و در فرم لحاظ نشده اضافه نمایند. این مرحله کمک نمود تا اصلاحات لازم در ابزار سنجش لحاظ گردد.

در پرسشنامه یادشده از پاسخ‌گویان در مورد ارزیابی آنان از جهت (+ / -) و شدت تأثیر هر یک از عوامل تغییرات اجتماعی در یک دهه آینده بر اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران سؤال شد. مقیاس اندازه‌گیری شدت تأثیر بر اساس طیف لیکرت سنجش شد.

برای تعیین اعتبار (پایایی) پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار عددی آن بیش از ۰/۸۰ محاسبه گردید که بیانگر اعتبار خوب ابزار سنجش و گویه‌های پرسشنامه است. روشی که برای تعیین روایی پرسشنامه پژوهش (ابزار سنجش) استفاده شد نیز روایی صوری و محتوایی است. بر این اساس، محقق پرسشنامه طراحی شده را میان تعدادی از مدیران و اساتید مجرب در عرصه‌های تخصصی حاکمیتی توزیع نموده و آنان به لحاظ محتوایی و صوری پرسشنامه را مورد تأیید قرار دادند. از سوی دیگر، با عنایت به تنوع و گستردگی نسبی پاسخ‌گویان در دستگاه‌ها و حوزه‌های مختلف حاکمیتی، مدیریتی و آموزشی و پژوهشی سعی شد پرسشنامه از روایی بیرونی (تعمیم‌پذیری) کافی برخوردار گردد، همچنین تلاش گردیده به منظور تأمین روایی درونی پرسشنامه تا حد امکان توضیحات لازم در مورد موضوع مورد مطالعه - البته غیرجهت‌دهنده - توسط محقق به پاسخ‌گویان به صورت حضوری و مستقیم ارائه شود.

چارچوب تدوین راهبرد: تدوین راهبردها در این تحقیق در یک چارچوب تصمیم‌گیری سه مرحله‌ای صورت پذیرفته است؛ در مرحله اول که آن را مرحله ورودی می‌نامند؛ اطلاعات اصلی مورد نیاز برای تدوین راهبرد مشخص شده است. مرحله دوم که آن را مرحله مقایسه می‌نامند به انواع راهبردهای امکان‌پذیر توجه داشته و به همین منظور بین عوامل اصلی داخلی و خارجی نوعی توازن و تعامل برقرار می‌گردد. روش یا ابزارهایی که در مرحله دوم مورد استفاده قرار می‌گیرد، ماتریس تهدیدات، فرصت‌ها، نقاط ضعف، نقاط قوت است. در مرحله سوم، مرحله تصمیم‌گیری، از یک روش منحصر به فرد، یعنی ماتریس برنامه‌ریزی راهبردی کمی استفاده شده است. در ماتریس مزبور از اطلاعات ارائه‌شده در مرحله اول استفاده می‌شود تا بتوان انواع راهبردهای قابل اجرا که در مرحله دوم شناسایی شده‌اند به شیوه‌ای عینی و بدون اعمال نظر شخصی مورد ارزیابی و قضاوت قرار داد.

الف) تهدیدات تغییر اجتماعی

ردیف	تهدیدها	اهمیت گویه			در شرایط موجود		در شرایط آتی	
		۱-۵	۱-۵	عدد موزون	۱-۵	عدد موزون	۱-۵	عدد موزون
۱	پیچیدگی و تنوع فعالیت‌ها و توان اطلاعاتی، تکنولوژیکی دشمن برای سازمان‌دهی و هدایت تغییرات اجتماعی انحطاطی	۴,۲۶	۳,۸۲	۱۶,۲۷	۳,۹۴	۱۶,۷۸		
۲	تسلط و سپهره دشمن بر رسانه‌های کلاسیک و نوین، فضای سایبر و شبکه‌های اجتماعی و گسترده‌گی و پیچیدگی رسانه‌های دشمن و توان تغییر ذهنیت جامعه در راستای تغییرات اجتماعی انحطاطی	۴,۶۸	۳,۹۴	۱۸,۴۴	۴,۱۲	۱۹,۲۸		
۳	بهره‌برداری دشمن از شبکه‌های اجتماعی و امکان نفوذ در بدنه عملیاتی جامعه برای تضعیف روحیه و اراده آنان در مقابل اقدامات دشمن در تغییر اجتماعی انحطاطی	۴,۳۴	۳,۶۸	۱۵,۹۷	۴,۱۸	۱۸,۱۴		
۴	تلاش دشمن در تضعیف و ناکارآمد جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در اداره امور کشور	۳,۶۸	۳,۳۶	۱۲,۳۶	۳,۴۸	۱۲,۸۱		
۵	تلاش دشمن در ایجاد اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی در راستای زمینه‌سازی تغییرات اجتماعی انحطاطی	۳,۸۸	۳,۵۰	۱۳,۵۸	۳,۸۴	۱۴,۹۰		
۶	تلاش دشمن در استفاده از فرصت‌های انتخاباتی و ناسالم جلوه دادن فضا و نتایج انتخابات در راستای تأثیرگذاری بر جامعه	۳,۸۴	۳,۷۴	۱۴,۳۶	۳,۵۸	۱۳,۷۵		
۷	تنوع عاملان و کارگزاران تغییر اجتماعی انحطاطی	۳,۵۴	۳,۲۶	۱۱,۵۴	۳,۳۴	۱۱,۸۲		
۸	توان تکنولوژیکی و فناوری اطلاعاتی دشمن	۴,۷۰	۴,۳۲	۲۰,۳۰	۴,۴۰	۲۰,۶۸		
۹	همگرایی بازیگران فراملی اعم از دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی با دشمن در تغییرات اجتماعی	۴,۱۶	۳,۷۸	۱۵,۷۲	۴,۰۲	۱۶,۷۲		
۱۰	تلاش دشمن در تضعیف باورهای دینی، فرهنگی و ملی اقشار جامعه برای زمینه‌سازی تغییرات اجتماعی انحطاطی	۳,۸۰	۳,۵۰	۱۳,۳۰	۳,۵۰	۱۳,۳۰		

۱۱	استفاده دشمن از اقشار بی تفاوت و خشتی جامعه در ایجاد تردید نسبت به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به منظور تسهیل تغییرات اجتماعی	۴,۰۰	۳,۵۸	۱۴,۳۲	۴,۰۰	۱۶,۰۰
۱۲	افزایش فشار اقتصادی و روانی بر جامعه توسط دشمن به منظور کاهش مشارکت و بسترسازی تغییرات اجتماعی انحطاطی	۴,۲۰	۴,۰۰	۱۶,۸۰	۴,۴۲	۱۸,۵۶
۱۳	سرعت واکنش رسانه‌های حریف و هماهنگی، هم‌گرایی و انسجام رسانه‌های دشمن و عملکرد جبهه‌ای آن‌ها	۴,۵۶	۴,۲۰	۱۹,۱۵	۴,۲۶	۱۹,۴۳
۱۴	توانایی شبکه‌های اجتماعی مجازی در سازمان‌دهی و اجرای تغییر انحطاطی	۴,۴۴	۳,۸۰	۱۶,۸۷	۴,۳۴	۱۹,۲۷
۱۵	تلاش دشمن برای نفوذ و عملیات اطلاعاتی و روانی از طریق سرویس‌های اطلاعاتی و سفارتخانه‌ها در راستای تغییرات اجتماعی	۴,۱۴	۳,۸۲	۱۵,۸۱	۴,۲۶	۱۷,۶۴
جمع اوزان و امتیاز موزون		۶۲,۲۲			۲۳۴,۸۲	
وضعیت موجود				۳,۷۷		
وضعیت مطلوب				۴,۰۰		

جدول ۱- تهدیدات تغییر اجتماعی

(ب) فرصت‌های تغییر اجتماعی

ردیف	فرصت‌ها	اهمیت گویه			در شرایط موجود		در شرایط آتی	
		۱-۵	۱-۵	۱-۵	عدد موزون	۱-۵	عدد موزون	
۱	نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی در ایجاد فرصت برای مدیریت فضای مذکور توسط سیستم‌های امنیتی	۴,۲۰	۳,۳۴	۱۴,۰۳	۳,۵۶	۱۴,۹۵		
۲	وجود خلاءهای اطلاعاتی در سرویس‌های اطلاعاتی دشمن	۴,۲۶	۳,۲۴	۱۳,۸۰	۳,۱۸	۱۳,۵۵		
۳	ناتوانی دشمن در برآورد و پیش‌بینی رفتار و کنش و واکنش مردم نسبت به تحولات کشور	۳,۶۶	۳,۰۰	۱۰,۹۸	۳,۰۰	۱۰,۹۸		
۴	ضعف اطلاعاتی دشمن نسبت به پیش‌بینی	۴,۲۲	۳,۱۶	۱۳,۳۴	۳,۵۴	۱۴,۹۴		

قدرت معنوی و فرهنگ دینی اقشار جامعه						
۱۳,۶۷	۳,۲۴	۱۳,۰۰	۳,۰۸	۴,۲۲	۵	وجود خلاء‌های اطلاعاتی در سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اتاق‌های فکر دشمن
۱۲,۲۴	۳,۰۶	۱۲,۰۸	۳,۰۲	۴,۰۰	۶	وجود اختلاف و خلاء اطلاعاتی در تبادل اطلاعات بین کشورهای حریف
۱۳,۱۷	۳,۱۲	۱۲,۶۶	۳,۰۰	۴,۲۲	۷	خلاء موجود بین کشورهای همسایه و منطقه در هماهنگی و همکاری با دشمن
۱۱,۰۵	۳,۰۲	۱۰,۶۱	۲,۹۰	۳,۶۶	۸	خلاء موجود بین سیستم قضایی، اطلاعاتی و مدیریتی دشمن
۹,۸۳	۲,۷۰	۱۰,۱۲	۲,۷۸	۳,۶۴	۹	وجود تحلیل‌های متفاوت توسط دستگاه‌های دیپلماسی دشمن
۱۱۴		۱۱۱		۳۶,۰۸		جمع اوزان و امتیاز موزون
وضعیت موجود		۳,۰۷				
وضعیت مطلوب		۳,۱۷				

جدول ۲- فرصت‌های تغییر اجتماعی

پ) ضعف‌های تغییر اجتماعی

ردیف	ضعف‌ها	اهمیت گویه		در شرایط موجود		در شرایط آتی	
		۱-۵	۱-۵	عدد موزون	۱-۵	عدد موزون	
۱	نداشتن مدل مطلوب پیش‌بینی سناریوهای تغییر اجتماعی در کشور	۴,۳۲	۳,۶۲	۱۵,۶۴	۴,۲۲	۱۸,۲۳	
۲	نداشتن سازوکارهای جامع و روزآمد پیش‌بینی در حوزه تغییر اجتماعی	۴,۵۴	۴,۲۴	۱۹,۲۵	۴,۲۶	۱۹,۳۴	
۳	نداشتن نقشه جامع در حوزه کنترل و مدیریت تغییر اجتماعی در کشور	۴,۵۶	۴,۱۸	۱۹,۰۶	۴,۱۲	۱۸,۷۹	
۴	غفلت نسبت به ظرفیت رسانه‌ها به‌ویژه رسانه ملی در مدیریت تغییر اجتماعی و بهره‌گیری بهینه از آن‌ها	۴,۵۰	۴,۲۸	۱۹,۲۶	۴,۲۲	۱۸,۹۹	
۵	عدم اشراف مطلوب اطلاعاتی نسبت به جریان‌های تغییر اجتماعی	۴,۲۰	۳,۹۰	۱۶,۳۸	۳,۵۶	۱۴,۹۵	

۶	۴,۰۴	۳,۷۴	۱۵,۱۱	۳,۴۶	۱۳,۹۸	ناتوانی در تشخیص اهمیت و وزن تغییرات اجتماعی وقوع یافته
۷	۳,۸۶	۳,۵۸	۱۳,۸۲	۳,۴۶	۱۳,۳۶	وجود تحلیل و دیدگاه‌های متنوع در خصوص پدیده‌های تغییر اجتماعی
۸	۴,۰۴	۳,۴۰	۱۳,۷۴	۳,۷۲	۱۵,۰۳	تبدیل نشدن تجربه‌های اطلاعاتی و عملیاتی در حوزه تغییر اجتماعی (اعم از فردی، سازمانی، فراسازمانی، بین سازمانی و راهبردی) به راهبردهای مطلوب
۹	۴,۲۴	۳,۹۴	۱۶,۷۱	۳,۵۸	۱۵,۱۸	فقدان و ضعف به‌کارگیری نیروهای فکری در حوزه‌های پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله و ترمیم تغییر اجتماعی
۱۰	۴,۰۰	۳,۷۰	۱۴,۸۰	۳,۵۸	۱۴,۳۲	مشکل تشخیص و شناسایی سهم و نقش تأثیرگذاری عناصر، افراد، شخصیت‌ها و گروه‌ها در صحنه تغییر اجتماعی
۱۱	۳,۷۴	۲,۸۴	۱۰,۶۲	۳,۲۲	۱۲,۰۴	وجود نگاه‌های خوش‌بینانه در حوزه تغییر اجتماعی
۱۲	۳,۶۶	۳,۳۴	۱۲,۲۲	۳,۸۰	۱۳,۹۱	ضعف توجیه منطقی و عملی و روزآمد شخصیت‌ها، نخبگان و مسئولین نسبت به تغییر اجتماعی
۱۳	۳,۸۰	۳,۳۰	۱۲,۵۴	۳,۱۰	۱۱,۷۸	ضعف اطلاع‌رسانی به‌هنگام نخبگان و خواص نسبت به تغییر اجتماعی
۱۴	۴,۴۲	۳,۱۸	۱۴,۰۶	۳,۲۲	۱۴,۲۳	مشکل کشور نسبت به تبیین و اقناع افکار عمومی نسبت به ماهیت و اهداف بازیگران تغییر اجتماعی انحطاطی
۱۵	۳,۷۰	۳,۱۲	۱۱,۵۴	۳,۱۲	۱۱,۵۴	فقدان سازوکارهای مناسب و متناسب برای ارتباط‌گیری با شخصیت‌ها و نخبگان حوزوی و دانشگاهی
۱۶	۳,۸۲	۳,۱۸	۱۲,۱۵	۳,۱۶	۱۲,۰۷	فقدان راهبردهای مناسب و برنامه‌های منسجم و هدفمند برای ایجاد، حفظ و تداوم ارتباط با شخصیت‌ها و نخبگان حوزوی و دانشگاهی

۱۲,۶۲	۳,۳۲	۱۲,۰۱	۳,۱۶	۳,۸۰	فقدان طرح جامع کنترل رسانه‌های کلاسیک و نوین	۱۷
۹,۶۶	۲,۹۸	۱۰,۰۴	۳,۱۰	۳,۲۴	کمبود نیروهای ماهر و دانش‌آموخته حوزه ارتباطات و رسانه	۱۸
۱۰,۴۰	۳,۰۴	۱۰,۶۷	۳,۱۲	۳,۴۲	شناخت ناکافی و حرفه‌ای از فضای رسانه‌ای نوین	۱۹
۱۲,۴۵	۳,۱۶	۱۲,۶۱	۳,۲۰	۳,۹۴	آسیب‌پذیری نیروهای امنیتی از تهاجمات رسانه‌ای	۲۰
۱۳,۳۸	۳,۵۴	۱۱,۶۴	۳,۰۸	۳,۷۸	ضعف توجیه و ارائه فعالیت‌های اقتصادی و سازندگی و بهبود وضعیت معیشت برای افکار عمومی	۲۱
۱۸,۰۵	۴,۱۴	۱۷,۵۳	۴,۰۲	۴,۳۶	کاهش سطح اعتقادات دینی و مذهبی و زمینه‌سازی تغییرات انحطاطی	۲۲
۱۷,۳۰	۴,۰۸	۱۷,۱۳	۴,۰۴	۴,۲۴	رسوخ روحیه رفاه‌طلبی در سطح جامعه و زمینه‌سازی تغییرات انحطاطی	۲۳
۱۲,۷۴	۳,۳۰	۱۲,۶۶	۳,۲۸	۳,۸۶	ضعف در قوانین موجود برای کنترل تغییرات اجتماعی انحطاطی	۲۴
۱۱,۴۱	۳,۱۰	۱۰,۸۹	۲,۹۶	۳,۶۸	ضعف در سیر مراحل تصویب قوانین مورد نیاز	۲۵
۳۵۵,۷۴		۳۵۲,۰۸		۹۹,۷۶	جمع اوزان و امتیاز موزون	
وضعیت موجود		۳,۵۳				
وضعیت مطلوب		۳,۵۷				

جدول ۳- ضعف‌های تغییر اجتماعی

ت) قوت‌های تغییر اجتماعی

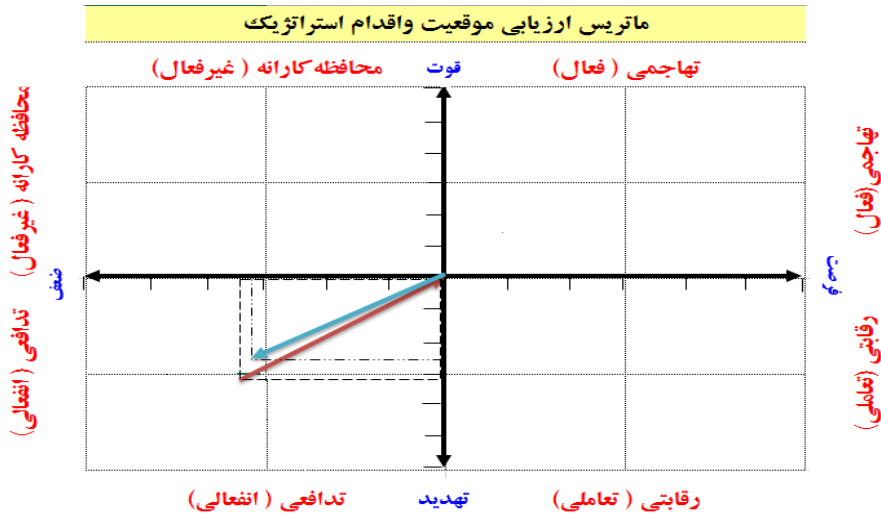
در شرایط آتی	در شرایط موجود		اهمیت گویه		قوت‌ها	ردیف
	۱-۵	عدد موزون	۱-۵	۱-۵		
عدد موزون						
۱۹,۱۸	۴,۳۰	۱۷,۴۸	۳,۹۲	۴,۴۶	اشراف اطلاعاتی داخلی و خارجی با بهره‌گیری از ظرفیت قانونی و حمایت‌های قوه قضائیه	۱
۱۵,۱۳	۳,۸۴	۱۳,۵۵	۳,۴۴	۳,۹۴	بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانی، اطلاعات مردمی و تجربه‌های اجتماعی و عملیاتی	۲
۱۲,۸۴	۲,۸۴	۱۴,۱۰	۳,۱۲	۴,۵۲	حساسیت بالای مردمی و گسترش همکاری اطلاعاتی مردم و بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی	۳

مطلوب						
۱۳,۴۲	۳,۴۴	۱۲,۱۷	۳,۱۲	۳,۹۰	۴	فهم، درک، آگاهی و شناخت بالای مردم نسبت به فعالیت‌های دشمن
۱۷,۵۵	۴,۱۴	۱۴,۷۶	۳,۴۸	۴,۲۴	۵	وجود توان سایبری کشوری و لشکری (ناجا، واجا، پدافند سایبری و ...)
۱۱,۵۸	۳,۲۰	۱۰,۱۴	۲,۸۰	۳,۶۲	۶	پشتیبانی و حمایت رسانه‌ای، مطبوعاتی، خبرگزاری‌ها و گروه‌های وبلاگ نویس
۱۲,۳۸	۳,۲۴	۱۱,۶۹	۳,۰۶	۳,۸۲	۷	وجود فرهنگ سازمانی پویا و انقلابی نشأت گرفته از ارزش‌های دوران دفاع مقدس و فرهنگ عمیق و ریشه‌دار دینی و عاشورایی و قدرت بازدارندگی
۱۲,۰۰	۳,۲۶	۱۰,۶۰	۲,۸۸	۳,۶۸	۸	وجود ظرفیت شبکه گسترده بسیج در حوزه‌های مختلف شامل اساتید، معلمان، کارمندان، اصناف و ...
۱۲,۴۲	۳,۰۰	۱۲,۳۴	۲,۹۸	۴,۱۴	۹	قابلیت فرهنگ‌سازی، آموزش و آگاه‌سازی مردم و دستگاه‌های دولتی با استفاده از رسانه ملی
۱۳,۲۶	۲,۹۶	۱۳,۱۷	۲,۹۴	۴,۴۸	۱۰	وجود سرمایه انسانی مؤمن، متعهد و شجاع در سازمان‌های دولتی و نهادهای انقلابی
۱۳۹,۷۵		۱۲۹,۹۹		۴۰,۸۰		جمع اوزان و امتیاز موزون
وضعیت موجود		۳,۱۹				
وضعیت مطلوب		۳,۴۳				

جدول ۴- نقاط قوت تغییر اجتماعی

معادله ارزیابی اقدام برای تعیین وضعیت موجود و آتی	
وضعیت موجود	فرصت - ضعف
اعداد	-۳/۴۰
وضعیت موجود	تهدید - قوت
اعداد	-۳/۰۴
وضعیت آتی	فرصت - ضعف
اعداد	-۳/۲۶
وضعیت آتی	تهدید - قوت
اعداد	-۲/۵۷

جدول ۵- معادله ارزیابی اقدام برای تعیین وضعیت موجود و آتی



از آنجایی که داده‌های معادله ارزیابی اقدام در شرایط فعلی و شرایط آتی کشور (جدول ۵) همگی در موقعیت منفی قرار دارند در صورت اجرای راهبردهای فرصت-قوت، تهدید-قوت، ضعف-فرصت و ضعف-تهدید از منظر اندیشمندان حوزه مدیریت راهبردی (ماتریس شماره ۱) وضعیت از حالت تدافعی (انفعالی) قدری ارتقاء خواهد یافت، هرچند تا قرار گرفتن در وضعیت مطلوب (تهاجمی فعال) فاصله بسیار است.

تجزیه و تحلیل

با استفاده از ماتریس روش SWOT اطلاعات به دست آمده در خصوص گویه‌ها مقایسه و چهار راهبرد SO، WO، ST و WT استخراج شده است به این صورت که در هر مرحله دو عامل با هم مقایسه و راهبردهای قابل اجرا تعیین شده است.

(۱) راهبردهای فرصت-قوت (SO)

ردیف	راهبردهای SO
۱	ارتقاء اشراف اطلاعاتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانی در جهت استفاده بیشتر از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی و خلاءهای اطلاعاتی سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و ضعف دشمن در پیش‌بینی قدرت معنوی (S1.2 O1.2.4)
۲	استفاده بهتر از حساسیت بالای مردمی و ساماندهی سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری بیشتر از حمایت‌های قوه قضائیه در راستای استفاده از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی (S1.3 O1)

تقویت و بهره‌گیری از توان سایبری و پشتیبانی و حمایت رسانه‌ای و گروه‌های وبلاگ‌نویس در راستای استفاده بیشتر از ناتوانی دشمن در برآورد و پیش‌بینی‌ها و خلاء بین سیستم قضایی، اطلاعاتی و مدیریتی دشمن (S5.6 O3.8)	۳
بهره‌گیری از شناخت بالای مردمی و ارزش‌های دفاع مقدس در راستای استفاده بیشتر از خلاء هماهنگی بین کشورهای همسایه و منطقه و دشمن و خلاء اطلاعاتی سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اتاق‌های فکر دشمن (S4.7 O5.7)	۴
بهره‌گیری بیشتر از قابلیت فرهنگ‌سازی، آموزش و آگاه‌سازی مردم در راستای بهره‌گیری بیشتر از وجود خلاء‌های اطلاعاتی در سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اختلاف و خلاء اطلاعاتی در تبادل اطلاعات (S9O5.6)	۵
استفاده بهتر از سرمایه انسانی مؤمن، متعهد و شجاع در سازمان‌های دولتی در راستای استفاده از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی (S10 O1)	۶

(۲) راهنماهای تهدید- قوت (ST)

ردیف	راهنماهای ST
۱	ارتقاء اشراف اطلاعاتی با بهره‌گیری از حساسیت بالای مردمی و همکاری اطلاعاتی آنان در راستای مقابله با بهره‌برداری دشمن از شبکه‌های اجتماعی و نفوذ در بدنه عملیاتی جامعه و پیچیدگی و تنوع فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن (S1.3 T1.3)
۲	استفاده بهینه از فهم و درک و شناخت بالای مردمی در راستای خنثی‌سازی تلاش دشمن در ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی ایران و ایجاد اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی و تضعیف باورهای دینی و فرهنگی و ملی (S4 T4.5.10)
۳	استفاده از ظرفیت‌های سازمانی، اطلاعات مردمی و تجربه‌های اجتماعی و عملیاتی در راستای مقابله با دشمن در استفاده از فرصت‌های انتخاباتی و پیچیدگی و تنوع فعالیت‌های او و استفاده او از اقبال بی‌تفاوت و خنثی (S2 T1.6.11)
۴	بهره‌گیری بیشتر از حساسیت مردمی و سرمایه اجتماعی در راستای کاهش شبکه‌های اجتماعی و تکنولوژی دشمن (S3 T1.8.14)
۵	استفاده بیشتر از ارزش‌های دوران دفاع مقدس و ظرفیت گسترده بسیج در راستای مقابله با بهره‌برداری دشمن از شبکه اجتماعی و نفوذ در بدنه عملیاتی جامعه و ایجاد اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی و تضعیف باورهای دینی و نفوذ و عملیات اطلاعاتی و روانی (S7.8 T3.5.10.15)
۶	استفاده بهینه از قابلیت‌های فرهنگ‌سازی آموزش و آگاه‌سازی در راستای خنثی‌سازی پیچیدگی رسانه‌ای دشمن و مقابله با فشارهای اقتصادی و روانی و شبکه‌های اجتماعی (S9 T1.12.14)
۷	توانمندسازی و هدایت سرمایه انسانی مؤمن و متعهد و بهره‌گیری بهینه از سرمایه اجتماعی در راستای محدودسازی توانایی دشمن در فضای مجازی و سایبری و شبکه‌های اجتماعی و مقابله با نفوذ در بدنه

عملیاتی جامعه (S3.10 T2.3.14)	
استفاده بهینه از آموزش و آگاه‌سازی در کاهش تأثیر سرعت واکنش رسانه‌های حریف و مقابله با همگرایی و انسجام رسانه‌های دشمن و توان تکنولوژی دشمن و تنوع عواملان تغییرات اجتماعی و مقابله با همگرایی بازبزرگان فراملی (S9 T7.8.9.13.15)	۸
استفاده بهینه از قدرت سایبری کشوری در راستای کاهش تأثیر تکنولوژی دشمن و فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی (S5 T1.2)	۹
بهره‌گیری بیشتر از حمایت رسانه‌ای و گروه‌های وبلاگ‌نویس در راستای ایجاد اختلال در توان تکنولوژی دشمن و سرعت واکنش رسانه‌های حریف (S6 T8.13)	۱۰

۳) راهبردهای ضعف - فرصت (WO)

راهبردهای WO	ردیف
استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها و شناخت حرفه‌ای فضای رسانه‌های نوین و ارتقاء شناسایی نیروهای امنیتی نسبت به تهاجمات رسانه‌ای در راستای بهره‌گیری از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی و مدیریت آن (W4.19.20 O1)	۱
ارتقاء اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌های تغییر اجتماعی و تهیه نقشه و طرح جامع در حوزه کنترل و مدیریت تغییرات اجتماعی و تهیه سازوکار و مدل مطلوب پیش‌بینی و سناریوی تغییرات اجتماعی در راستای استفاده بیشتر از خلاءهای اطلاعاتی در سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اتاق‌های فکر دشمن (W1.2.3.5.17O5)	۲
ارتقاء اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌های تغییرات اجتماعی و تشخیص درست اهمیت و وزن تغییرات اجتماعی و انجام تحلیل‌های متناسب با اطلاعات متقن به‌دست آمده در راستای استفاده بهینه از وجود اختلاف و خلاء اطلاعاتی در تبادل اطلاعات بین کشورهای حریف (W5.6.7O6)	۳
بالا بردن اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌های تغییرات اجتماعی و تبدیل تجربیات اطلاعاتی و عملیاتی در این حوزه به راهبردهای مطلوب در راستای استفاده از ضعف دشمن در پیش‌بینی قدرت معنوی و فرهنگ دینی اقشار جامعه (W5.8.16 O4)	۴
استفاده بیشتر از نیروهای فکری و ارتقاء سطح آن‌ها و استفاده از کارشناسان علوم ارتباطات در حوزه‌های پیش‌بینی و پیش‌گیری و مقابله و ترمیم تغییرات اجتماعی و تشخیص و شناسایی کارشناسانه سهم و نقش تأثیرگذاری هر یک از عناصر و افراد در راستای استفاده از ناتوانی دشمن در برآورد و پیش‌بینی رفتار و کنش و واکنش مردم نسبت به تحولات کشور (W9.10.18 O3)	۵
ایجاد نگاه واقع‌بینانه به تغییرات اجتماعی و اطلاع‌رسانی به هنگام به نخبگان و خواص و ایجاد دیدگاه منطقی و به‌روز در شخصیت‌ها، نخبگان و مسئولین نسبت به تغییرات اجتماعی در راستای استفاده از وجود خلاءهای اطلاعاتی در سرویس‌های اطلاعاتی دشمن (W11.12.13 O2)	۶
تهیه سازوکار ارتباط‌گیری با شخصیت‌ها و نخبگان برای استفاده از آن در تبیین و اقناع افکار عمومی نسبت به	۷

ماهیت و اهداف بازیگران تغییرات اجتماعی انحطاطی در راستای استفاده از وجود تحلیل‌های متفاوت توسط دستگاه‌های دیپلماسی دشمن (W14.15 O9)	
بالا بردن اعتقادات دینی و ایمان قلبی اقشار جامعه برای درک بهتر وضعیت اقتصادی و کاهش تألمات بد اقتصادی در راستای استفاده از خلاء موجود بین سیستم‌های قضایی، اطلاعاتی و مدیریتی دشمن (W21.22 O8)	۸
بالا بردن اعتقادات دینی و کاهش روحیه رفاه‌طلبی اقشار مختلف جامعه در راستای استفاده از خلاء موجود بین کشورهای همسایه و منطقه در هماهنگی و همکاری با دشمن (W22.23 O7)	۹
احصاء ضعف‌های قانونی در کنترل تغییرات اجتماعی و اصلاح وضعیت سیر مراحل تصویب قوانین از طریق مجلس شورای اسلامی در راستای استفاده از خلاء موجود بین سیستم‌های قضایی، اطلاعاتی و مدیریتی دشمن (W24.25 O8)	۱۰

۴) راهنماهای ضعف - تهدید (WT)

ردیف	راهنماهای WT
۱	استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ها و شناخت حرفه‌ای فضای رسانه‌ای نوین و ارتقاء شناسایی نیروهای امنیتی نسبت به تهاجمات رسانه‌ای در راستای مقابله با تسلط دشمن بر فضای رسانه‌ای و پیچیدگی رسانه‌های دشمن و سرعت واکنش رسانه‌ای حریف و توان تکنولوژی دشمن (W4.19.20T2.8.13)
۲	ارتقاء اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌ات تغییر اجتماعی و تهیه نقشه و طرح جامع در حوزه کنترل و مدیریت تغییرات اجتماعی و تهیه سازوکار و مدل مطلوب پیش‌بینی و سناریوی تغییرات اجتماعی در راستای مقابله با فعالیت‌های دشمن برای سازمان‌دهی و هدایت تغییرات اجتماعی و بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی (W1.2.3.5.17T1.3)
۳	ارتقاء اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌ات تغییرات اجتماعی و تشخیص درست اهمیت و وزن تغییرات اجتماعی و انجام تحلیل‌های متناسب با اطلاعات متقن به‌دست آمده در راستای مقابله با تنوع عوامل و بازیگران تغییرات اجتماعی و برهم زدن همگرایی بازیگران فراملی (W5.6.7T7.9)
۴	بالا بردن اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌ات تغییرات اجتماعی و تبدیل تجربیات اطلاعاتی و عملیاتی در این حوزه به راهنماهای مطلوب در راستای مقابله با تلاش دشمن برای نفوذ و عملیات اطلاعاتی و روانی از طریق سرویس‌های اطلاعاتی و سفارتخانه‌ها (W5.8.16 T15)
۵	استفاده بیشتر از نیروهای فکری و ارتقاء سطح آن‌ها و استفاده از کارشناسان علوم ارتباطات در حوزه‌های پیش‌بینی و پیش‌گیری و مقابله و ترمیم تغییرات اجتماعی و تشخیص و شناسایی کارشناسان سهم و نقش تأثیرگذاری هر یک از عناصر و افراد در راستای مقابله با تلاش دشمن در تضعیف و ناکارآمد جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در اداره امور و تلاش دشمن در تضعیف باورهای دینی، فرهنگی و ملی (W9.10.18T4.10)
۶	ایجاد نگاه واقع‌بینانه به تغییرات اجتماعی و اطلاع‌رسانی به‌هنگام به نخبگان و خواص و ایجاد دیدگاه منطقی و

	به روز در شخصیت‌ها، نخبگان و مسئولین نسبت به تغییرات اجتماعی در راستای مقابله با افزایش فشار اقتصادی و روانی بر جامعه و مقابله با شبکه‌های اجتماعی در سازمان‌دهی تغییرات اجتماعی (W11.12.13 T12.14)
۷	تهیه سازوکار ارتباط‌گیری با شخصیت‌ها و نخبگان برای استفاده از آن در تبیین و اقناع افکار عمومی نسبت به ماهیت و اهداف بازیگران تغییرات اجتماعی انحطاطی در راستای مقابله با استفاده دشمن از اقشار بی‌تفاوت و خنثی جامعه و افزایش فشار اقتصادی بر جامعه (W14.15 T11.12)
۸	بالا بردن اعتقادات دینی و ایمان قلبی اقشار جامعه برای درک بهتر وضعیت اقتصادی و کاهش تألمات بد اقتصادی برای مقابله با فشارهای اقتصادی دشمن و تضعیف باورهای دینی (W21.22 T10.12)
۹	بالا بردن اعتقادات دینی و کاهش روحیه رفاه‌طلبی اقشار مختلف جامعه در راستای مقابله با تلاش دشمن در ایجاد اختلال و بی‌ثباتی اقتصادی (W22.23 T5)
۱۰	احصاء ضعف‌های قانونی در کنترل تغییرات اجتماعی و اصلاح وضعیت سیر مراحل تصویب قوانین از طریق مجلس شورای اسلامی در راستای مقابله با تلاش دشمن در استفاده از فرصت‌های انتخاباتی (W24.25 T6)

۵) راهبردهای ترکیبی

ردیف	عنوان راهبرد ترکیبی
۱	تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی مردم نسبت به ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس (SO.4.5.6.ST.2.5.6.7.WO.4.6.7.8.9.WT.5.7.8.9)
۲	تقویت و استحکام‌بخشی باورها و اعتقادات دینی و ارزش‌های اخلاقی جامعه (SO.5.6.ST.2.5.WO.6.8.9.WT.7.8)
۳	ساماندهی فعالیت‌های رسانه‌ای و تغییر رویکرد رسانه‌های همسو با نظام اسلامی از وضعیت انفعالی به تهاجمی (SO.1.3.6.ST.3.6.8.9.10.WO.1.10.WT.1.3.5)
۴	تقویت ظرفیت رسانه‌های همسو (آموزش، تربیت و کادرسازی نیروهای انقلابی متعهد) و سالم‌سازی فضای رسانه‌ای کشور (SO.1.3.6. ST.6.7.8.10.WO.1.5.9.10.WT.3.5)
۵	مقابله مناسب و به موقع با ترفندهای رسانه‌ای حریف با شناخت درست آن و بسیج امکانات، سرمایه انسانی، فرهنگی، هنری، رسانه‌ای و نخبگان انقلابی و معتقد به نظام (O.1.3.ST.1.2.3.5.6.7.8.10.WO.1.5.6.7.10.WT.1.5.6)
۶	تقویت و توسعه اعتماد عمومی به رسانه‌های خودی و اعتبارزدایی از رسانه‌های غیرخودی با استفاده از رویکرد اقتاعی و جذب حداکثری (SO.4.5.ST. 2.7.10.WO.9.10.WT.1)
۷	توسعه رهبری و هدایت در سطوح مختلف شبکه‌های اجتماعی (SO.1.6.ST.1.7.WO.1.5.WT.5)
۸	ارتقاء سطح اشراف اطلاعاتی بر عوامل حریف در صحنه‌های رسانه‌ای و سایبری و شبکه‌های اجتماعی و برآورد اطلاعاتی دقیق و به‌موقع (SO.1.ST.1.5.7.10.WO.2.3.4.WT.2.3.4)
۹	انجام اقدام انقلابی در سازمان‌دهی نیروهای مستعد برای شبکه‌سازی و توانمندسازی آنان به‌صورت حقیقی و

مجازی (SO.6.ST.5.7.WO.5.6.10.WT.5)	
توانمندسازی مخاطبان در ابعاد سواد رسانه‌ای و قدرت تحلیل محتوای پیام‌های دریافتی (SO.4.5.ST.3.5.6.8.WO.105.6.8.9.10.WT.1.5.7)	۱۰

در این بخش بر اساس یافته‌های حاصله از پیمایش محیطی و محقق شدن هدف اصلی پژوهش، ابتدا راهکارهای مدیریت تغییرات اجتماعی در راستای نیل به امنیت ملی و ارتقاء آن استخراج و با روش طوفان مغزی، راهبردهای نهایی استخراج شد و با نظرخواهی نخبگی، ده راهبرد نهایی اولویت‌بندی شد که به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی مردم نسبت به ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس
۲. تقویت و استحکام‌بخشی باورها و اعتقادات دینی و ارزش‌های اخلاقی جامعه
۳. ساماندهی فعالیت‌های رسانه‌ای و تغییر رویکرد رسانه‌های همسو با نظام اسلامی از وضعیت انفعالی به تهاجمی
۴. تقویت ظرفیت رسانه‌های همسو (آموزش، تربیت و کادرسازی نیروهای انقلابی متعهد) و سالم‌سازی فضای رسانه‌ای کشور
۵. مقابله مناسب و به‌موقع با ترفندهای رسانه‌ای حریف با شناخت درست آن و بسیج امکانات، سرمایه انسانی، فرهنگی، هنری، رسانه‌ای و نخبگان انقلابی و معتقد به نظام
۶. تقویت و توسعه اعتماد عمومی به رسانه‌های خودی و اعتبارزدایی از رسانه‌های غیرخودی با استفاده از رویکرد اقناعی و جذب حداکثری
۷. توسعه رهبری و هدایت در سطوح مختلف شبکه‌های اجتماعی
۸. ارتقاء سطح اشراف اطلاعاتی بر عوامل حریف در صحنه‌های رسانه‌ای و سایبری و شبکه‌های اجتماعی و برآورد اطلاعاتی دقیق و به موقع
۹. انجام اقدام انقلابی در سازمان‌دهی نیروهای مستعد برای شبکه‌سازی و توانمندسازی آنان به صورت حقیقی و مجازی
۱۰. توانمندسازی مخاطبان در ابعاد سواد رسانه‌ای و قدرت تحلیل محتوای پیام‌های دریافتی

اما برای انجام این راهبردهای اصلی برخی اقدامات اجرایی ضروری به نظر می‌رسد که برخی از آن‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

- ✓ ارتقاء اشراف اطلاعاتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمانی برای استفاده بیشتر از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی و خلاءهای اطلاعاتی سرویس‌های اطلاعاتی دشمن و ضعف دشمن در پیش‌بینی قدرت معنوی
- ✓ استفاده بهتر از حساسیت بالای مردمی و ساماندهی سرمایه اجتماعی و بهره‌گیری بیشتر از حمایت‌های قوه قضائیه در راستای استفاده از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی
- ✓ تقویت و بهره‌گیری از توان سایبری و پشتیبانی و حمایت رسانه‌ای و گروه‌های وبلاگ‌نویس در استفاده بیشتر از ناتوانی دشمن در برآورد و پیش‌بینی‌ها و خلاء بین سیستم قضایی، اطلاعاتی و مدیریتی دشمن
- ✓ بهره‌گیری از شناخت بالای مردمی و ارزش‌های دفاع مقدس در استفاده بیشتر از خلاء هماهنگی بین کشورهای همسایه و منطقه و دشمن و خلاء اطلاعاتی سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اتاق‌های فکر دشمن
- ✓ بهره‌گیری بیشتر از قابلیت فرهنگ‌سازی، آموزش و آگاه‌سازی مردم در راستای بهره‌گیری بیشتر از وجود خلاءهای اطلاعاتی در سیستم‌های تجزیه و تحلیل و اختلاط و خلاء اطلاعاتی در تبادل اطلاعات
- ✓ ارتقاء اشراف اطلاعاتی با بهره‌گیری از حساسیت بالای مردمی و همکاری اطلاعاتی آنان در جهت مقابله با بهره‌برداری دشمن از شبکه‌های اجتماعی و نفوذ در بدنه عملیاتی جامعه و پیچیدگی و تنوع فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن
- ✓ استفاده بهینه از قابلیت‌های فرهنگ‌سازی آموزش و آگاه‌سازی در راستای خنثی‌سازی پیچیدگی رسانه‌ای دشمن و مقابله با فشارهای اقتصادی و روانی و شبکه‌های اجتماعی
- ✓ توانمندسازی و هدایت سرمایه انسانی مؤمن و متعهد و بهره‌گیری بهینه از سرمایه اجتماعی در جهت محدودسازی توانایی دشمن در فضای مجازی و سایبری و شبکه‌های اجتماعی و مقابله با نفوذ در بدنه عملیاتی جامعه
- ✓ بهره‌گیری بیشتر از حمایت رسانه‌ای و گروه‌های وبلاگ‌نویس در جهت ایجاد اختلال در توان تکنولوژی دشمن و سرعت واکنش رسانه‌ای حریف

- ✓ استفاده بهینه از ظرفیت رسانه‌ای و شناخت حرفه‌ای فضای رسانه‌ای نوین و ارتقاء شناسایی نیروهای امنیتی نسبت به تهاجمات رسانه‌ای در جهت بهره‌گیری از نفوذپذیری شبکه‌های اجتماعی و مدیریت آن
- ✓ ارتقاء اشراف اطلاعاتی نسبت به جریان‌ات تغییرات اجتماعی و تشخیص درست اهمیت و وزن تغییرات اجتماعی و انجام تحلیل‌های متناسب با اطلاعات متقن به دست آمده در جهت استفاده بهینه از وجود اختلاف و خلاء اطلاعاتی در تبادل اطلاعات بین کشورهای حریف
- ✎ استفاده بیشتر از نیروهای فکری و ارتقاء سطح آن‌ها و استفاده از کارشناسان علوم ارتباطات در حوزه‌های پیش‌بینی و پیشگیری و مقابله و ترمیم تغییرات اجتماعی و تشخیص و شناسایی کارشناسانه سهم و نقش تأثیرگذاری هر یک از عناصر و افراد در جهت استفاده از ناتوانی دشمن در برآورد و پیش‌بینی رفتار و کنش و واکنش مردم نسبت به تحولات کشور
- ✓ ایجاد نگاه واقع‌بینانه به تغییرات اجتماعی و اطلاع‌رسانی به‌هنگام به نخبگان و خواص و ایجاد دیدگاه منطقی و به روز در شخصیت‌ها، نخبگان و مسئولین نسبت به تغییرات اجتماعی در جهت استفاده از وجود خلاءهای اطلاعاتی در سرویس‌های اطلاعاتی دشمن
- ✓ تهیه سازوکار ارتباط‌گیری با شخصیت‌ها و نخبگان برای استفاده از آن در تبیین و اقناع افکار عمومی نسبت به ماهیت و اهداف بازیگران تغییرات اجتماعی انحطاطی در جهت استفاده از وجود تحلیل‌های متفاوت توسط دستگاه‌های دیپلماسی دشمن

نتیجه‌گیری

تغییرات اجتماعی متأثر از پدیده‌های مختلف محیط درونی و بیرونی جوامع انسانی همواره در طول تاریخ قابل مشاهده است و هرچند برخی حکمرانان تلاش داشته‌اند این تغییرات را کنترل کنند، اما ناتوانی در کنترل این‌گونه تغییرات جامعه انسانی، دولتمردان را بر آن داشت تا به جای کنترل این تغییرات به هدایت و تأثیرگذاری بر این تغییرات بپردازند. این تغییرات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران دو دسته آثار اعتلایی و انحطاطی در پی داشته است؛ یک دسته آثاری که باعث افزایش ظرفیت جامعه انسانی برای حرکت در مسیر مردم‌سالاری و افزایش ارتباط سطوح مختلف قدرت در کشور و در نتیجه افزایش مشروعیت و استحکام ساخت درونی نظام شده و دسته دیگر آثاری که باعث چنددستگی اجتماعی و افزایش شکاف‌های اجتماعی شده و با ایجاد تفرقه در بین آحاد مردم زمینه تضعیف قدرت ملی را فراهم می‌آورد.

از این رو برای تحکیم و ثبات و حفظ نظام اسلامی بر مبنای مردم‌سالاری دینی و مقابله با تغییرات ساختارشکن ایجادکننده تزلزل در پایه‌های نظام اسلامی و مهم‌ترین پایه آن که مردم به‌مثابه سرمایه اجتماعی هستند، مدیریت راهبردی مطلوب تغییر اجتماعی و ارائه راهبردهای مناسب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا مشارکت مهم‌ترین نهادها را در سطح ملی برای رونق تغییر سازنده و جلوگیری از تغییر کاهنده ثبات و امنیت در سطح ملی تأمین نموده و با اجرای راهبردهای ارائه شده به اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دست یافت.

در این راستا وظیفه اصلی سطوح عالی مدیریتی در کشور، رصد تغییرات در هر دو بعد مثبت و منفی (پیشن‌ران‌ها و پسران‌ها) در سطح ملی است تا بتوانند با توجه به حضور و فعالیت شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور، نهادهای اطلاعاتی، سازمان‌های نظامی و انتظامی، قوه قضائیه و نهادهای فرهنگی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارتخانه‌های فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی بتوانند نقش مؤثر و سازنده خود را در این خصوص ایفاء نموده و وظایف خود را در تأثیرگذاری مطلوب بر تغییر اجتماعی برای تحکیم و ارتقای امنیت پایدار ایفاء نمایند.

این تحقیق با احصاء مؤلفه‌های تغییر اجتماعی در چهار بستر تهدید، فرصت، ضعف و قدرت، راهبردهای فرصت-قوت (SO)، تهدید-قوت (ST)، ضعف-فرصت (WO) و راهبردهای ضعف-تهدید (WT) مقابله با تغییرات اجتماعی انحطاطی را احصاء نموده است. هرچند این راهبردهای دووجهی می‌تواند بخشی از تغییرات اجتماعی را متأثر سازد، اما از آنجایی که این چهار وجه دارای ارتباطی ارگانیک با یکدیگر هستند؛ احصاء راهبردهایی که هر چهار وجه تهدید، فرصت، ضعف و قدرت را با هم مورد توجه قرار دهد، طبیعتاً از قابلیت بالاتری برخوردار خواهد بود. راهبردهایی چون تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی مردم نسبت به ارزش‌های اخلاقی جامعه اسلامی، انقلاب و دفاع مقدس؛ تغییر رویکرد رسانه‌ای از وضعیت انفعال به تهاجمی و سالم‌سازی فضای رسانه‌ای؛ تقویت و توسعه اعتماد به رسانه‌های خودی و اعتبارزدایی از رسانه‌های غیرخودی با استفاده از رویکرد اقناعی و جذب حداکثری؛ ارتقاء سطح اشراف اطلاعاتی بر عوامل حریف در صحنه‌های رسانه‌ای و سایبری، توانمندسازی مخاطبان در ابعاد سواد رسانه‌ای و قدرت تحلیل محتوای پیام‌های دریافتی می‌تواند تا حدودی باعث افزایش انسجام ساخت درونی قدرت در جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر ظرفیت‌های رسانه‌ای باشد.

منابع:

- امام خمینی (ره)، *صحیفه نور*.
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی). *مجموعه بیانات و فرمایشات*.
- ترقی، علیرضا، (۱۳۹۲)، *الگوی راهبردی مدیریت تغییرات اجتماعی در یک دهه آینده بر اساس اهداف و منافع ملی*، رساله دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۶۹)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات سمت.
- جوانی، یدالله، (۱۳۹۴)، *دفاع ملی؛ دفاع همه‌جانبه*، مجموعه مقالات دفاع ملی، دفاع همه‌جانبه، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۲)، *تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشریه علوم جغرافیایی دانشگاه تربیت معلم.
- حسن‌بیگی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، *مدیریت راهبردی*، تهران: انتشارات سمت.
- رحمانی فیروزجاه، علی، (۱۳۷۶)، *ایدئولوژی و تغییر اجتماعی با تأکید بر اندیشه‌های دکتر شریعتی*، تهران: دانشگاه تهران.
- روشه، گی، (۱۳۶۸)، *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات نی.
- کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۷۳)، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- سرپرست سادات، ابراهیم، (۱۳۹۴)، *مردم‌سالاری دینی و نظریه استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران*، کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
- سلیمی، جمشید، (۱۳۸۵)، *گروه‌های فشار و نقش آنان در تغییرات اجتماعی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶*، دانشگاه تهران.
- طالب پور، اکبر، (۱۳۸۲)، *نقش تغییرات اجتماعی صورت گرفته از سال ۱۳۶۸ بر نظام ارزشی جامعه*، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، حسن، (۱۳۸۹)، *راهبردها و راهکارهای جنگ نرم در رسانه*، تک شماره جنگ نرم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علامه طباطبائی.
- عرف، جمال، (۱۳۷۹)، *مدیریت تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی*، مقالات همایش تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی و امنیت ملی، مرکز بررسی‌های استراتژیک، چاپ اول.

◆ فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۷

- فاستر، جورج، (۱۳۷۸)، *جوامع سنتی و تغییرات فنی*، ترجمه سیدمهدی ثریا، تهران: نشر کتاب فردا.
- قیصری، علی، (۱۳۷۹)، *مفهوم زمان در جامعه‌شناسی فرهنگ*، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- مکانی، کوروش، (۱۳۸۳)، *نقش گروه‌های غیررسمی در روند تغییرات اجتماعی*، تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی.
- مظهری، جهانگیر، (۱۳۵۶)، *پیمایش پوشش‌ها*، یادی از استاد گورویچ و درس زمان‌های اجتماعی او، نامه علوم اجتماعی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Sztompka, Pieter. (1993). *sociology of social change*. Oxford blakwell.
- Vago, steven. (1989). *social change*, London: prentice hall.
- Moore, Wilbert (1967). *Social change*, London: Englewood chiffes
- Reeler, Doug (2007), *A Three-fold Theory of Social Change and Implications for Practice, Planning, Monitoring and Evaluation*, Centre for developmental practice.